

از تحریر به کلاس‌های درس



توماس فریدمن ترجمه: مرجان پیشابایی

■ مدتی قبل که چند هفته‌ای را در «مان» پایتخت اردن، می‌گذراندم، حین صحبت با دانشجویان، به یک زن آمریکایی برخورد کردم که شغل جالبی داشت. «شرلی رامنی گرت» ضمن معرفی خود گفت که او و همسرش سابقاً برای «اتحاد صلح» در اردن کار می‌کردند و امروز در بنیادی به نام «تا بی‌نهایت بیندیش» به آموزش‌گران اردنی آموزش می‌دهند که چگونه تفکر خلاق و قدرت حل مسایل را به شاگردانشان یاد بدهند. به گفته شرلی «این همان بهار عربی حقیقی است.»

نمی‌توان پیش‌بینی کرد که موج بهار عربی بتواند دیکتاتورهای دیگر عرب را از اریکه قدرت به زیر بکشد ولی در هر صورت بدون ایجاد انقلابی در زمینه آموزش، نسل جدید شائسی برای پیشرفت نخواهد داشت.
بیداری عرب از دل جوانانی بیرون آمد که از نبود فضای کافی برای پیشرفت، فرصت‌های شغلی و ابزار آموزشی که بتواند استعدادهایشان را به بار نباشد سرخورده شده بودند. همین امر سرچشمه نیروی آشفته‌ای شد که مصر، سوریه، تونس، لیبی و یمن را برهم ریخت. گروه‌های اسلامی توانستند در اولین گام‌ها قدرت را در دست گیرند اما اگر نتوانند به آرمان خواهی‌های نسل جوان شوریده‌ای که موانع را در هم شکسته جلمه عمل ببخشاند، حاکمیت موقفی نخواهند داشت.

دالیا مجاهد، یک مصری آمریکایی تبار که برای گالوپ (موسسه بین‌المللی نظرسنجی) در جهان عرب کار می‌کند، می‌گوید ما نتوانستیم بگوییم چه کسی رئیس‌جمهوری مصر می‌شود ولی می‌توانیم با اطمینان بگوییم- از ژانویه به این طرف حمایت از اخوان‌المسلمین و سلفی‌ها ۲۰درصد کاهش داشته چرا؟ چون آنان پیروزی خود را در انتخابات، پیروزی رفقای داشتند. روزی که یک نماینده زن پارلمان از اخوان‌المسلمین در سخنرانی‌اش پیشنهاد داد ختنه دختران را نباید از این پس جرم داشت، جامعه مصر تکتانی خورد، اولویت‌های اخوان حالا که به قدرت رسیده، چیست؟

در یک نظرسنجی موازی گالوپ از پاسخ‌دهندگان پرسید طرفدار چه حزبی هستند و در ضمن خواسته‌های اصلی‌شان از دولت جدید چیست. نتیجه آن شد که طرفداران احزاب مختلف از لیبرال تا محافظه‌کار خواسته‌هایی کاملاً یکسان داشتند. اول از همه کار می‌خواستند، بعد به ترتیب توسعه اقتصادی، امنیت، ثبات و آموزش. اگر امنیت و ثبات را از این فهرست حذف کنیم نیازهای مصری‌ها با‌رای دهندگان آمریکایی تفاوتی نشان نمی‌دهد. اگر اخوان‌المسلمین پیروزی خود را پیروزی جناح خود تلقی کند و اگر نخواهد اقدامی برای تحقق خواست‌های رای‌دهندگان انجام دهد قدم در راهی گذاشته که سرانجامش به ترکستان است.

طبق نظرسنجی دیگری که در سال ۲۰۱۲ در بین جوانان عرب انجام گرفته کسب در آمدی کافی و خرید خانه بیش از تحقق دموکراسی از مهم‌ترین اولویت‌های جوانان در خاورمیانه است. تعجبی ندارد که دموکراسی اکنون در رده سوم جا گرفته. اگر آموزش درستی ندیده باشید شغل آبرومندانه‌ای پیدا نمی‌کنید و در نتیجه خانه‌ای هم نمی‌توانید بخرید هیچ‌کدام از اینها هم که نباشد نمی‌توانید ازدواج کنید.
آمرها نشان می‌دهند هنوز بسیاری از جوانان پس از پایان دانشگاه با خانواده‌هایشان زندگی می‌کنند و ۵۵درصد افراد ۱۵ تا ۲۴ سال بیکرانند. ترکیب پیچیده خطرناکی است چون این بیکاران تحصیلکرده‌هایی هستند که در واقع آموزشی ندیده‌اند. ثمره نظام آموزشی‌ای که از دانش آموزان می‌خواهد فقط مشق بنویسند و سپس آنچه را خوانده‌اند مو به مو پاسخ دهند آن است که شاگردان عرب در درس‌های ریاضیات و درک مطلب نمرات خوبی نمی‌آورند و اگر بخواهند آموزشی ببینند متفاوت از آموزش عقب‌مانده رسمی باید در ساعات غیر از مدرسه معلم خصوصی بگیرند. اعراب هنوز به این رویکرد نرسیده‌اند که نظام آموزشی‌شان باید در خدمت کارآفرینی باشد. مونامرشد، رئیس برنامه عمل آموزش جهانی در این مورد می‌گوید «روش آموزش در اینجا قرون وسطایی است و برنامه درسی‌ای که بتواند قابلیت‌های دانش آموزان را تقویت کند وجود ندارد.» یک کارفرمای عرب باید در حدود ۹ه‌ماه به فردی که استخدام کرده آموزش دهد تا به کارایی برسد. ایالات متحده می‌تواند در شش یا هفت زمینه به کمک بهار عرب بیاید؛ کارخانه‌های کوچک، صنایع نساجی، خدمات، پردازش لغوی و کمک به برپایی برنامه آموزشی که مهارت‌های واقعی را در اجرای این موضوعات فراهم کند.

چند روز قبل در خبرها خواندم که آمریکا مرد شماره دو القاعده را کشته است. خبر خوشی بود. اما فکر نکنم پزیردندت «ولاما» بتواند تصور کند حملات آمریکا که به درازا هم کشیده شده تا چه حد به وجه غالب سیاست او در خاورمیانه تبدیل شده است. اوپاما باید بداند پیروزی او در انتخابات از جنبه‌ای استثنایی بود. در واقع پیروزی تفکری بود که بی‌آنکه پدربزرگ سیاهپوستش را برای قضاوت ملاک قرار دهد به استعدادهای امروز او توجه کرد. به گفته فعالان عرب نمی‌توان در جهان عرب انتظار تحقق چنین واقعیاتی را داشت. ما آمریکایی‌ها اگر نخواهیم نگاهمان را به جهان عرب تغییر دهیم و اگر نخواهیم کمک‌های خارجی‌یمان به اعراب را در جهت آموزش برای کارآفرینی به کار بیندازیم، تا بد باید دل‌مان را به کشتن رهبران القاعده خوش کنیم.

برای خبرنگاران و روزنامه‌نگاران شاید کمتر جایی در دنیا مانند چین پیدا شود که در سیاست اینچنین پیچیده و هزار رنگ باشد. به دنیای شگفت‌انگیز خبر و رسانه در چین خوش آمدید! دیپلماسی پاندا، دیپلماسی پینگ‌پنگ، دیپلماسی لیخند، دیپلماسی نفتی و... همگی گوشه‌ای از این هزارتوی سرگیجه‌آور است. هرچند که پشت تمام این همه دیپلماسی‌های رنگارنگ، خط مشی حزب کمونیست تنها انحصارطلبی مطلق و منفعت‌طلبی به هر بهایی است.

دیپلماسی در خدمت منافع، از خاورمیانه تا آفریقا

برای چینی‌ها اگر غرب، بازاری برای تجارت و فروش کالا باشد، آفریقا و خاورمیانه منابع عظیمی است از انرژی و مواد خام. بنابراین رویکرد چین درخصوص کشورهای این منطقه نشأت گرفته از این موضوع است.

بیش از هزار شرکت چینی در سراسر آفریقا حضور دارند. حمایت طولانی مدت چین از دولت سودان در سرکوب جدایی‌طلبان نمونه‌ای از سیاست‌های منفعت‌طلبانه چین و زمینه‌ساز بروز تنش‌هایی با کشورهای غربی است. این‌گونه است که چین به دلیل دسترسی به منابع نفتی سودان از حق وتوی خود در شورای امنیت برای حفاظت از سودان در برابر تحریم بر سر مساله دارفور استفاده کرد. درخصوص زیمبابوه چین قطعنامه شورای امنیت علیه ابرت‌موگابه رئیس‌جمهور دیکتاتور زیمبابوه را وتو کرد. زیمبابوه دومین صادرکننده پلاتینیوم در جهان است و بیش از نیمی از ذخایر کروم که در ساخت اسلحه به کار می‌رود را در کنترل خود دارد. در بخش کشاورزی چین مدت‌هاست به مزارع تنباکوی زیمبابوه چشم دوخته، چراکه چین بزرگ‌ترین تولیدکننده سیگار جهان است. چین طی دهه گذشته با حمایت از موگابه قادر بوده منابع غنی این کشور را در انحصار خود داشته باشد.

دیپلماسی در خدمت نقض حقوق بشر

برای حکومت‌هایی نظیر چین، دیپلماسی به‌جز اقتصاد و سیاست کارکردهای دیگری نیز دارد. از جمله کمک به نقض حقوق بشر از طریق تعقیب مخالفان و فعالان سیاسی در خارج از چین و ایجاد فضای مسموم تبلیغاتی و روانی در خارج چین علیه گروه‌هایی که هدف آزار و سرکوب حزب کمونیست چین در داخل قراردارند. درحالی‌که اینها همگی تجاوز به حقوق و معاهدات متعارف بین‌المللی است. موارد بسیاری در این خصوص وجود دارد که از جمله می‌توان به گروه‌هایی نظیر روش معنوی فالون‌گونگ (فالون دافا)، فعالان تنبی و... اشاره کرد. سال‌هاست که تمرین‌کنندگان فالون‌گونگ و مردم ثبت در داخل چین مورد آزار و شکنجه قرار گرفته‌اند. در این شرایط آن دسته از آنان که موفق به خروج از کشور می‌شوند و به آغوش دنیای آزاد می‌پیوندند، در خارج نیز توسط کنسولگری‌های حزب کمونیست به طور غیرقانونی مورد تعقیب قرار می‌گیرند. گویی حزب کمونیست چین تمام دنیا را قلمروی خود می‌پندارد که در موارد بسیاری می‌بینیم که فعالیت‌های صلح‌آمیز آنها در خارج چین با مزاحمت و مداخله عوامل حزب کمونیست رویه‌رو می‌شود. برای نمونه تمرین‌کنندگان در سراسر دنیا فالون‌گونگ تمرینات فیزیکی خود را در محل‌های عمومی نظیر پارک‌ها انجام می‌دهند (چیزی که در چین نیز پیش از شروع آزار و شکنجه وجود داشت). با فعالیت‌های قانونمند در جهت روشنگری حقایق مربوط به آزار و شکنجه‌های حزب کمونیست ترتیب می‌دهند. کنسولگری‌های چین در موارد بسیاری با مقامات محلی کشور موردنظر مکاتبه کرده‌و بادروغ‌پردازی درباره این تمرین‌کنندگان، آنها را خطرناک جلوه داده‌اند. در بیشتر موارد دولت‌ها با شناخت قبلی که از کمونیست‌هاداشتند، به این اتهامات پناهی ندادند. اما مواردی نیز وجود دارد که دولت‌ها در نتیجه تحریک و دروغ‌های حزب کمونیست، آزادی و حقوق اساسی شهروندان خود را نقض کردند. گاهی هم این دولت‌ها به‌رغم آگاهی از واقعیت، صرفاً به دایلل منافع و تعاملات اقتصادی دستگاه دیپلماسی چین را همراهی کرده‌اند. این در حالی است که تمرین‌کنندگان فالون‌گونگ معتقد بوده و هستند که باید در هر جایی که هستند به قوانین و اصول کشور خود احترام بگذارند و آن را نقض نکنند. آنها صرفاً برای یک ساعت هر روز صبح با هدف ارتقای سطح سلامت روحی و جسمی خود برای انجام تمرین‌های فالون‌گونگ به پارک‌ها رفته و سپس به دنبال کارشان می‌روند. آنچه تمرین می‌کنند هیچ ارتباطی با امور سیاسی ندارد. مردم می‌توانند از هر قشر و مسلکی به میل خود برای یادگیری بیایند یا ترک کنند و هیچ نوع عضویت اجباری ندارند. اثرات مثبت این روش در ارتقای سلامتی روحی و جسمی توسط جوامع علمی و تحقیقاتی بارها و بارها تأیید شده است. در مواردی نظیر زیمبابوه و کره شمالی و سودان حزب کمونیست چین به طور مستقیم یا در زمینه نقض حقوق ملت‌ها در آن کشورها سهیم است که به تشریح در این گفتار به آن پرداخته شده است.

دیپلماسی در برابر بهار عربی، با دست پس می‌زند، با پا پیش می‌کشد

اکنونیمیش در گزارشی نوشت که از پنج عضو دایم شورای امنیت، چین آخرین دولتی بود که دولت جدید طرابلس را به رسمیت شناخت. این نشان می‌دهد که انقلاب‌های اخیر در جهان عرب سیاستمداران چینی را نگران حفظ منافع خود در مناطق در حال تحول کرده است- با شروع انقلاب‌های عربی، چین سیاست خود را به این ترتیب پیگیری کرد که ابتدا در کنار گود تنه‌انظاره‌گر تحولات باقی می‌ماند و سپس با سقوط دیکتاتورها مشروعبت انقلابیون را به رسمیت می‌شناخت. در قضیه لیبی آنها تلفیق عجیبی از واکنش‌ها را بروز دادند. چین از آخرین کشورهای قدرتمندی بود که شورای ملی انتقالی لیبی را به رسمیت شناخت، یعنی چندان مایل نبود قذافی را رها کند. چینی‌ها ابتدا به تحریم‌های سازمان ملل علیه قذافی رای مثبت دادند، سپس در عملیات هوایی گسترده‌ای به سرعت شهروندان خود را از لیبی خارج کردند. دولت چین برای حفظ خود در برابر اعتراضات مردمی از انقلابیون حمایت نکرد، اما پس از آن به یکباره با تغییر موضع، ابتدا جلسه‌ای با انقلابیون در قطر برگزار کرد و سپس با فرستادن دیپلماتی به بنغازی برای ملاقات با رهبران انقلاب ظاهراً گفتو‌گوهایی را برای حفظ امنیت تجاری

جهان



عکس: Getty Images

اژدهای گر سنه

■ مروری بر دیپلماسی چین در نقاط مختلف دنیا

هادی فیروزی

چین صورت داد. این چرخش موضع در شرایطی بود که کمی پیشتر نمایندگان قذافی برای خرید سلاح در چین حضور داشتند. در شروع ناآرامی‌های مصر رسانه‌های دولتی چین اظهارات مردمی در قاهره را شورش عداوی خرابکار دانست و حزب کمونیست تمایل نداشت شهروندان چینی در جریان انقلاب مردمی مصر قرار بگیرند. با سقوط مبارک، فعالان چینی نیز به تقلید از شورش‌های عربی با فراخوان اینترنتی مردم چین را به انقلاب یاس سفید دعوت کردند که این باعث ایجاد فضای امنیتی در داخل چین شد.

دیپلماسی انحصاری در دریای چین، منافع در دل ناامنی
دریای چین بزرگ‌ترین ناحیه دریایی جهان است. این دریا منبعی غنی از نفت و گاز است و از نظر صنعت شیلات نیز بسیار اهمیت دارد. اینها باعث شده که این دریا صحنه کشمکش چین با همسایگانش شود. چین تقریباً بر تمام این دریا ادعای مالکیت دارد. ویتنام، فیلیپین، مالزی، برونی و تایوان نیز هر یک بخش‌هایی از این دریا را از آن خود می‌دانند. آمریکا این دریا را از آب‌های بین‌المللی می‌داند و همیشه اعلام می‌کند که در این منطقه دارای منافع حیاتی است. ویتنام، بارها چین را متهم کرده که به آزار کشتی‌های ویتنامی در آب‌های منطقه انحصاری ویتنام می‌پردازد. سال ۲۰۰۲ چین و مجمع کشورهای جنوب شرق آسیا توافق کردند که روی یک نظام‌نامه رفتاری برای دریای چین جنوبی کار کنند. اما طی سال‌های گذشته عملکرد چین در این زمینه خلاف توافقات بوده و با افزایش نیروی نظامی در این دریا جوی نظامی در آن ایجاد کرده است. این درحالی است که آمریکا و ویتنام در بیانیه مشترکی خواهان حل و فصل این مناقشات از راه دیپلماتیک هستند. چین و ویتنام نیز ظاهراً در این خصوص توافقات‌نامه‌ای امضا کرده‌اند. این توافقنامه دربرگیرنده یک خط تلفن مستقیم برای مدیریت کردن تحریکات ناگهانی است.

اما عملکرد انحصارطلبانه چین در این دریا باعث شده هر توافق دیپلماتیک چین در حد حرف باقی‌ماند. چندی پیش رئیس‌جمهور فیلیپین، در مصاحبه‌ای با آسوشیتدپرس به چین هشدار داد که وارد این آب‌های فیلیپین نشود و تأکید کرد که کشورش تسلیم خواسته‌های چین نخواهد شد.
این نیز در گزارش دفاعی سالانه خود نسبت به تشدید فعالیت‌های نیروی دریایی چین در آب‌های اطراف ژاپن هشدار داد.

حمایت دیپلماتیک از دیکتاتور کره شمالی

چین نزدیک‌ترین متحد پیونگ‌یاگ است و نمی‌خواهد شاهد اتحاد کره‌شمالی و جنوبی تحت حاکمیت سنول و بر مدار یک حکومت دموکراتیک باشد. اخیراً رویترز گزارش کرد که یک دیپلمات بلندپایه چین با اعلام اینکه کشورش متعهد به گسترش روابط با کره شمالی است، از کیم‌جونگ‌اون رهبر جوان این کشور قدردانی کرده است. تصمیم چین به گسترش روابط با کره‌شمالی در شرایطی است که جامعه جهانی از اقدام اخیر کره‌شمالی پرتاب موشک و احتمال سومین آزمایش هسته‌ای کره‌شمالی بسیار نگران است. رویترز گزارش می‌دهد که «دای بینگو» دیپلمات برجسته چینی پس از دیدار با یکی از مقامات کره‌شمالی بیان کرد که «هوستی قبلمی بین چین و کره‌شمالی برای هر دو کشور ارزشمند است» این اظهارات نشان می‌دهد چین تا چه حد متعهد به تقویت و حفظ روابط با کره شمالی است. چین با رویکردی دوگانه بیانیه شورای امنیت سازمان ملل که در آن پرتاب موشک کره‌شمالی محکوم و به این کشور در مورد انجام آزمایش هسته‌ای هشدار داده شده بود حمایت کرد. اما با این حال با درخواست‌ها برای اقدام و تحریم‌های شدید علیه پیونگ‌یاگ مخالفت کرده است. اخیراً روزنامه‌ای ژاپنی فلش کرد که چین سال گذشته با نقض قطعنامه‌های سازمان ملل، خودروهای مخصوص حمل و پرتاب موشک دوربرد را به کره‌شمالی فروخته است. این خودروها احتمالاً همان خودروهایی هستند که در جریان رژه بزرگ نظامی به مناسبت صدمین سالگرد تولد بنیانگذار کره‌شمالی به نمایش درآمده‌ند. به گزارش خبرگزاری فرانسه، براساس قطعنامه‌های سازمان ملل، فروش سیستم‌های تسلیحاتی به پیونگ‌یاگ ممنوع است. این‌گونه است که ادامه حیات دیکتاتورترین رژیم دنیا یعنی کره‌شمالی در راستای منافع حزب کمونیست چین است. بی‌آنکه در این میان زندگی میلیون‌ها انسان در داخل پادگانی جهنمی به نام کره‌شمالی برای حکومت چین اهمیتی داشته باشد.

کره شمالی یادآور خاطره هولناک کامبوج

با بررسی تاریخ چین نمونه‌هایی جهت حمایت چین از رژیم کره شمالی یافت می‌شود. برای مثال می‌توانیم از کامبوج نام ببریم. حزب کمونیست چین در دهه ۷۰ میلادی از خبرهای سرخ کامبوج حمایت می‌کرد. خمرهای سرخ خود نمونه بارز وحشی‌گری احزاب کمونیست بودند که برای زندگی انسان‌ها هیچ ارزشی قایل نبودند. حزب کمونیست کامبوج به فرماندهی پُل پات نزدیک چهارسال حکومت کامبوج را به دست داشت. در

دیپلماتیک اضافه شد. این دیپلماسی به معنای اهدای خرس پاندا توسط دولت چین به دیگر دولت‌ها با اهداف و منفعت‌های تجاری و سیاسی است. بدل و بخشش پاندهای بی‌زبان به کشورهای بسیاری نظیر آمریکا، روسیه، ژاپن، کره‌شمالی و تایوان انجام شده است. گاهی هم به‌جای پاندا، ببر می‌فرستد. چند سال قبل رابرت متعدادی فیسل، زرافه و بز آفریقایی برای چینی‌ها فرستاد. چینی‌ها هم که از این کار سر ذوق آمده بودند در برابر چهار ببر فرستادند. به پنهان این داد و ستد، قراردادهای کلان تجاری بین دو کشور امضا شد. سیاست رد و بدل کردن حیوانات بین زیمبابوه و چین به دیپلماسی ببر معروف شد. می‌گویند که چین در مقابل کشورهای غربی «دیپلماسی لیخند» را پیش گرفته است. لیخندی ظاهری که

پشت آن تمایل برای تصاحب هرچه بیشتر بازارهای تجاری غرب است. دیپلماسی حج نیز نوع دیگری از دیپلماسی‌های دولت چین است که سال‌هاست میان حزب کمونیست چین و عربستان سعودی، برقرار است. لوموند می‌نویسد، هرچه چین سال‌هاست که مسلمانان این کشور را تحت فشار قرار داده اما از طرفی سعی می‌کند با استفاده از دیپلماسی حج، ظاهر به دوستی با مسلمانان کند.

■ ■ ■

در این گفتار به «دیپلماسی لیخند» اشاره کردیم. شاید بهتر باشد آن را بخوانیم «دیپلماسی ریشخند». ریشخند به حقوق بشر و آزادی مردم داخل چین. چرا که یکن در ازای کسب این همه امتیاز اقتصادی در راستای بهبود وضع حقوق بشر کمترین گامی بر نمی‌دارد. حکومت چین در حالی به یک ابرقدرت سیاسی و اقتصادی تبدیل شده است که در زمینه حقوق بشر پرورنده بدی از خود بر جای گذاشته است. بیش از ۱۳ سال آزار و شکنجه روش معنوی فالون‌گونگ، اعدام‌های گسترده، جداسازی اعضای بدن انسان‌های زنده (صمدتا) تمرین‌کننده‌های فالون‌گونگ) در بیمارستان‌ها و اردوگاه‌های کار اجباری با هدف تجارت اعضای بدن، سرکوب و آزار بی‌روان ادیان الهی و بسیاری از موارد دیگر، همگی گوشه‌ای از این پرورنده است. آنچه از رفتار دیپلماتیک و اقتصادی حزب کمونیست چین دریافتیم حرص و طمعی بی‌انتهایرای بیشتر و بیشتر و بیشتر داشتن است. مهم نیست که چین در اقتصاد تا چه نقطه‌ای به پیش رود، بحران انسانی و حقوق بشر در داخل سرزمین چین می‌تواند برای تمام دنیا و بشریت تبدیل به یک فاجعه شود.

دیپلماسی در برابر فالون‌گونگ

■ زمانی که در سال ۱۹۹۹ آزار و شکنجه وسیع روش معنوی فالون‌گونگ (فالون دافا) توسط حزب کمونیست چین آغاز شد، جیانگ‌زمین رهبر وقت حزب، به تمام سطوح حکومتی دستور داد با تمام توان به این آزار و شکنجه بپیوندند و در برخورد با فالون‌گونگ حزب را همراهی کنند. در نتیجه حتی دستگاه دیپلماسی چین و سفارتخانه‌های آن در خارج از کشور از این قضیه مستثنא نشدند.

دستگاه دیپلماسی چین از طریق به این آزار و شکنجه ظالمانه و غیرقانونی در خارج چین ادامه‌داد. یکی پیگرد و ایجاد مزاحمت برای افرادی که در دیگر کشورها قانون گونگ را تمرین می‌کنند و دوم وارد کردن تهمت و افترا و بدنام کردن وجهه روش فالون‌گونگ در خارج از سرزمین چین. از آنجا که آزار و شکنجه فالون‌گونگ از بیخ و بن غیرقانونی و یک جرم سازمان‌یافته است، دستگاه دیپلماسی چین همواره کوشیده است که در این زمینه از انواع حیل‌ها و ترفندها استفاده کند تا به هدف خود برسد. موارد بسیاری در این خصوص ثبت و مستند شده است. این موارد نشان می‌دهد در کشورهای مختلف، سفارتخانه‌های چین دولت‌ها را تحت فشار قرار داده‌اند تا اقدام به اخراج تمرین‌کنندههای چینی فالون‌گونگ و بازگرداندن آنها به سرزمین چین کنند. در مواردی که این افراد به سرزمین چین بازگردانده شدند، بلافاصله بازداشت شده و مورد آزار و شکنجه حزب کمونیست قرار گرفتند. این درحالی است که با توجه به اینکه روش معنوی فالون‌گونگ در داخل چین در حال آزار و شکنجه شدن است دولت‌ها به خاطر تعهداتی که در قبال کنوانسیون وضعیت پناهندگان دارند نباید تمرین‌کنندگان فالون‌گونگ را به چین بازگردانند. هر دوی این کنوانسیون‌ها کشورها را از بازگرداندن پناهندگان به کشور دیگری که به خاطر عضویت در یک گروه اجتماعی خاص با شکنجه و آزار مواجه می‌شوند باز می‌دارد.

از سال ۱۹۹۹ تاکنون بسا شروع آزار و شکنجه فالون‌گونگ، سفارتخانه‌ها و کنسولگری‌های خارج کشور تعدادی کتاب، لوح فشرده و بروشور جهت بدنام کردن فالون‌گونگ عرضه کردند. همچنین در وب‌سایت وزارت امور خارجه چین ستونی منحصراً در این خصوص قرار داده شده. این درحالی است که فالون‌گونگ صرفاً یک روش برای تزکیه جسم و روح است که تأثیرات مثبت آن در بهبود وضعیت سلامتی جسم و ارتقای روحی نزد مردم دنیا و نزد جامعه علمی و دانشگاهی به اثبات رسیده است. به طوری که از زمان معرفی آن تا امروز بیش از صدمیلیون نفر در بیش از صد کشور دنیا به تمرین آن می‌پردازند و تنها در سرزمین چین اینچنین مورد آزار و شکنجه قرار می‌گیرند.

